

وضو و تیمم



رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به یکی از اصحاب خود فرمود :

بسیار وضو بگیر تا خداوند بر عمرت بیفزاید. اگر برایت میسر است که شب و روز با وضو باشی، این کار را انجام بده؛ کسی که با وضو می خوابد، بسترش تا صبح برای او مسجد خواهد بود و خوابش برای او نماز!

✓ وقتی می خواهیم نماز بخوانیم؛
✓ وقتی قصد داریم دستمان را به نوشته های قرآن بزنیم؛
✓ وقتی به حج می رویم و می خواهیم طواف واجب حج را به جای بیاوریم؛
✓ وقتی که به یکی از نام های خداوند (به هر زبانی که نوشته شده باشد) دست می زنیم؛
در تمام این موارد واجب است وضو داشته باشیم.

علاوه بر این موارد، وضو گرفتن در بسیاری از موارد دیگر نیز مستحب است؛ هنگام تلاوت قرآن کریم، همراه داشتن قرآن، زیارت حرم امامان **علیهم السلام**، رفتن به مسجد، زیارت اهل قبور، و حتی هنگام خوابیدن، از مواردی هستند که شایسته است انسان در این زمان ها وضو داشته باشد.
اما شرایط وضوی صحیح چیست؟

شرایط وضوی صحیح

کسی که می خواهد وضو بگیرد، علاوه بر دانستن شیوه صحیح انجام وضو، باید به نکته های دیگری نیز توجه کند که شرایط وضوی صحیح نام دارند.
این شرایط عبارت اند از:

۱- پاک بودن آب وضو: آبی که با آن وضو می گیریم باید پاک باشد؛ اگر ندانیم و یا فراموش کنیم که آبی نجس است و با همان آب نجس وضو بگیریم، وضوی ما باطل است.
۲- مُطلق بودن آب وضو: پیش از توضیح این شرط باید بدانیم که آب ها به دو دسته تقسیم می شوند: مطلق و مضاف.

آب مطلق به آب های خالصی گفته می شود که با چیز دیگر آمیخته نشده و یا از چیزی گرفته نشده باشد. آب باران، آب چشمه ها و چاه ها، آب رودها، دریاها و آب لوله کشی که در خانه ها وجود دارد، آب مطلق شمرده می شوند.

اما آبی که خالص نیست و آن را از چیز دیگری گرفته اند - مانند گلاب و آب میوه - و یا اینکه با چیز دیگری مخلوط شده باشد - مثل آب نمک غلیظ و آب های خیلی گل آلود به گونه ای که دیگر به آن آب نگویند - آب مضاف نامیده می شود.

وضو گرفتن فقط با آب مطلق صحیح است و ما نمی توانیم با آب مضاف وضو بگیریم.

۳- مباح بودن آب و ظرف آن: آبی که ما با آن وضو می گیریم باید مباح باشد؛ یعنی یا آب

برای خودمان باشد و یا اینکه اگر برای دیگری است، او از وضو گرفتن ما با آب رضایت داشته باشد. بنابراین، استفاده از آب غصبی^۱ کاری حرام و وضو نیز با این آب باطل خواهد بود. البته وضو گرفتن با آب‌هایی که در مکان‌های عمومی قرار دارند صحیح است.

توجه داشته باشیم که ظرف آب وضو نیز نباید غصبی باشد؛ یعنی اگر ما برای وضو از ظرفی استفاده کنیم که صاحبش از استفاده ما راضی نباشد، وضوی ما باطل است.

۴- پاک بودن اعضای وضو: اگر صورت، دست‌ها، سر و یا روی پاها در هنگام وضو گرفتن نجس باشند، باید ابتدا نجاست را برطرف کرد، بدن را پاک نمود و سپس وضو گرفت. روشن است که اگر اعضای وضو نجس باشند، وضو باطل است.

۵- نبودن مانع در اعضا: در هنگام وضو، اگر چیزی به اعضای وضو چسبیده باشد که نگذارد آب به بدن برسد (مثل چربی غلیظ کرم‌ها که بر دست و صورت باقی می‌ماند و یا لاک روی ناخن) وضوی ما باطل خواهد بود.

۶- ترتیب: واجب است تمام مراحل وضو را به ترتیب انجام دهیم؛ یعنی پس از نیت، ابتدا صورتمان را می‌شوئیم. سپس دست راست را از بالای آرنج تا نوک انگشتان می‌شوئیم و پس از آن دست چپ را نیز به همین صورت می‌شوئیم؛ بعد با همان رطوبتی که در دست داریم، سرمان را مسح^۲ می‌کنیم و بعد هم با همان رطوبت با دست راست، روی پای راست و با دست چپ روی پای چپ را مسح می‌کنیم. اگر مکلف این ترتیب را به هم بزند، وضویش باطل می‌شود.

۷- مُوالات: واجب است کارهای وضو را پشت سرهم انجام دهیم و بین آنها فاصله نیندازیم. اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله بیندازیم که حالت وضو به هم بخورد، به گونه‌ای که بگویند او مشغول کار دیگری شده است؛ مثلاً هنگام وضو گرفتن کسی با تلفن منزل تماس بگیرد و ما به صحبت با او مشغول شوئیم، وضوی ما باطل است.

۸- قصد قربت: باید فقط برای خشنودی خداوند وضو گرفت و اگر تمام وضو و یا بخشی از آن را به قصد دیگری به جز رضایت خداوند انجام دهیم وضوی ما باطل می‌شود. البته لازم نیست نیت وضو را به زبان بگوئیم.

چند مسئله مهم وضو

اول - خانم‌ها نباید در جایی وضو بگیرند که نامحرم بدنشان را ببیند، هر چند این کار وضو را

۱- به آبی غصبی می‌گویند که صاحب آن راضی نباشد ما از آن استفاده کنیم.

۲- مسح سر یعنی کشیدن دست بر روی سر

باطل نمی‌کند.

دوم - اگر ناخن فرد بلندتر از حد معمول باشد، باید چرک زیر آن را برای وضو برطرف کند.
سوم - کسی که به دلیل بیماری یا مشکل دیگری نمی‌تواند خودش وضو بگیرد، باید از شخص دیگری بخواهد که او را وضو دهد. در این حال مکلف باید خودش نیت وضو کند و هر کدام از کارهای وضو را هم که می‌تواند، خودش انجام دهد.

چهارم - اگر پیش از تمام شدن وضو، جایی را که شسته یا مسح کرده نجس شود، وضو صحیح است؛ البته باید آن را برای نماز پاک کند.

پنجم - اگر بعد از وضو چیزی که مانع از رسیدن آب است در اعضای وضو ببیند و نداند موقع وضو بوده یا بعد پیدا شده، وضوی او صحیح است.

ششم - در هنگام استفاده از اشیایی مانند گردنبند که نام خدا یا یکی از پیامبران یا امامان بر آن است - و با بدن تماس دارد - باید وضو داشت.

تیمم

مواردی وجود دارد که باید به جای وضو یا غسل، تیمم کرد. این موارد عبارت‌اند از زمان‌هایی که مکلف:

- ۱- اصلاً به آب دسترسی ندارد؛ مثلاً در بیابان و یا کوهستان بی‌آبی گرفتار شده است.
 - ۲- آب به همراه دارد، ولی استفاده از آن برایش ضرر دارد.
 - ۳- آب در دسترس هست، ولی غصبی، نجس یا خیلی گل‌آلود است.
 - ۴- آب کمی در اختیار دارد که اگر با آن وضو بگیرد، از تشنگی به سختی خواهد افتاد.
 - ۵- فرصت کافی برای وضو گرفتن ندارد و اگر بخواهد وضو بگیرد، نمازش قضا خواهد شد.
- در چهار مورد اول، مکلف در صورتی می‌تواند تیمم کند که مطمئن باشد تا پایان وقت نماز، این شرایط برایش تغییر نمی‌کند.



برای تیمم کردن ابتدا نیت می‌کنیم که برای خشنودی خداوند و به جای وضو یا غسل می‌خواهیم تیمم کنیم.

سپس کف هر دو دست را با هم بر روی خاک پاک می‌زنیم.
سپس دست‌ها را بر بالای پیشانی گذاشته و آنها را تا ابروها و بالای بینی می‌کشیم.^۱
سپس کف دست چپ را بر پشت دست راست گذاشته و از میج تا نوک انگشتان می‌کشیم.
و در آخر کف دست راست را پشت دست چپ گذاشته و از میج تا نوک انگشتان می‌کشیم.



۱- در تیمم لازم نیست روی بینی دست کشیده شود.



الف) با ذکر دلیل مشخص کنید در کدام یک از موارد زیر، وضوی مکلف صحیح و در کدام یک باطل است؟

• در گرمای تابستان، برای خشنودی خداوند وضو می‌گیرد و با این کار خنک هم می‌شود.

• در برابر چشم دیگران و برای اینکه از او تعریف کنند، وضو می‌گیرد.

• آب پاک در اختیار ندارد و به همین دلیل با گلاب وضو می‌گیرد.

• در هنگام سفر، از آب رودخانه وضو می‌گیرد.

• در حال وضو می‌خواهد سرش را مسح کند که ناگهان خون از بینی‌اش جاری می‌شود و روی صورتش می‌ریزد.

• به دلیل کمر درد، نمی‌تواند خم شود و پاهایش را مسح کند، برای همین از برادرش می‌خواهد تمام مراحل وضو را او برایش انجام دهد.

ب) در حضور معلمتان وضو بگیرید و از او بخواهید تا اشکالات احتمالی وضوی شما را برطرف کند.

برخی از چیزهایی که وضو و تیمم را باطل می‌کنند عبارت‌اند از:

۱- خارج شدن ادرار، مدفوع و گازهای روده از بدن،

۲- به خواب رفتن (به صورتی که چشم نبیند و گوش هم نشنود)، و

۳- از بین رفتن موقتی یا دائمی عقل، مانند دیوانگی، مستی و بی‌هوشی.^۱



۱- از شرایط وضوی صحیح پنج مورد را نام ببرید و توضیح دهید.

۲- سه مورد از مواردی که مکلف باید برای نماز، تیمم کند را بیان کنید.

۳- شیوة صحیح تیمم کردن را به صورت خلاصه توضیح دهید.



با مراجعه به رساله توضیح المسائل مرجع خود ببینید تیمم علاوه بر خاک، بر چه چیزهای دیگری صحیح است؟

۱- علاوه بر این، مبطلات وضو چیزهای دیگری هم هستند که در آینده با آنها آشنا خواهید شد.

مُنبَطاتِ نماز

آن روز، نمازخانه مدرسه شلوغ‌تر از روزهای دیگر بود. صادقی و محمدی هم گوشه‌ای از نمازخانه نزدیک هم نماز می‌خواندند. ناگهان یکی از بچه‌ها سرش را از پنجره داخل کرد و گفت: بچه‌ها زود باشید الان زنگ می‌خورد.

کمی بعد، صادقی ناگهان نمازش را شکست و پس از چند لحظه سکوت دوباره تکبیرة الاحرام گفت و نمازش را شروع کرد. نمازشان که تمام شد، محمدی پرسید: چرا نمازت را شکستی؟ مگر نمی‌دانی شکستن نماز حرام است؟

صادقی جواب داد: اگر کسی بی‌دلیل نمازش را بشکند کار حرامی انجام داده است، اما من که بی‌دلیل این کار را نکردم. نماز من پیش از اینکه من آن را بشکنم، خودش باطل شده بود. محمدی با تعجب پرسید: چطور؟!

صادقی گفت: داشتم تسیبحات اربعه را می‌گفتم که یک دفعه متوجه شدم مقداری از خرده‌های نان که پیش از نماز خورده بودم در دهانم باقی مانده است. در این فکر بودم که چه کار کنم که ناگهان بی‌اختیار آن را قورت دادم. همان وقت یک نفر گفت: الان زنگ می‌خورد. من که به خاطر قورت دادن نان شک کرده بودم نمازم درست است یا نه، این حرف هم حواسم را بیشتر پرت کرد. هرچه فکر کردم دیگر یادم نیامد رکعت سوم هستم یا چهارم؟ برای همین نمازم را که باطل شده بود رها کردم و آن را از اول خواندم.

محمدی گفت: اولاً که قورت دادن خرده‌های کوچک نان یا هر چیز دیگر، نماز را باطل نمی‌کند. از این گذشته چه کسی گفته آدم هر جای نمازش که شک کند، نماز باطل می‌شود؟ پس نمازت را بی دلیل شکسته‌ای!

صادقی پرسید: تو مطمئنی نماز درست بوده؟

محمدی گفت: بله، امام جماعت مسجد محله ما چند شب است که دربارهٔ مبطلات نماز صحبت می‌کند. من این موضوع را از او شنیده‌ام. اگر می‌خواهی مطمئن شوی امشب بیا مسجد و از خودش سؤال کن...



در سال‌های گذشته با برخی از احکام و آداب نماز آشنا شدیم و دانستیم که نمازی که با رعایت آداب و احکام آن خوانده شود، موجب خشنودی خداوند از نمازگزار خواهد گذاشت. ما در این درس به بررسی احکام دیگری خواهیم پرداخت که بی‌اطلاعی از آنها باعث باطل شدن نماز می‌شود.

مُبطَلاتِ نماز

می‌دانید چه کارهایی نماز را باطل می‌کنند؟ بنا بر فتوای مراجع تقلید، مبطلات نماز دوازده چیز است که ما به صورت خلاصه به بررسی آنها می‌پردازیم:

۱- از بین رفتن یکی از شرایط نماز: در سال گذشته با برخی از شرایط نماز آشنا شدیم. پاک بودن لباس و بدن نمازگزار، وضو داشتن و همچنین غصبی نبودن لباس و مکان نمازگزار از آن شرایط بودند.

اگر نمازگزار در بین نماز متوجه شود که یکی از این شرایط از بین رفته است؛ مثلاً یادش بیاید وضو نگرفته یا مکانی که در آن نماز می‌خواند غصبی است، نمازش باطل است.

۲- باطل شدن وضو: اگر وضوی نمازگزار در بین نماز باطل شود، نمازش نیز باطل خواهد شد.

۳- روی برگرداندن از قبله: اگر نمازگزار در حال نماز صورت خود را از قبله به طرف چپ یا راست بگرداند، (به اندازه‌ای که دیگر رو به قبله به حساب نیاید) نمازش باطل است و فرقی بین عمدی و یا سهوی^۱ بودن این کار نیست.

۴- خندیدن با صدای بلند (قهقهه): خنده بلند، در صورتی که عمدی باشد نماز را باطل می‌کند. بنابراین، لبخند زدن و یا خنده باصدا که عمدی نباشد، نماز را باطل نمی‌کند.

۱- کاری که از روی فراموشی و بی‌توجهی از انسان سر می‌زند.

۵- حرف زدن در بین نماز: اگر نمازگزار در بین نماز عمداً سخن بگوید، حتی اگر یک کلمه هم باشد، (مثلاً بگوید: آخ) نمازش باطل خواهد شد، ولی اگر بدون توجه و از روی فراموشی در بین نماز چیزی بگوید، نمازش صحیح است.

۶- به هم زدن صورت نماز: اگر نمازگزار در بین نماز، کاری انجام دهد که حالت نماز را به هم بزند، مثلاً دست بزند و یا به هوا ببرد نمازش باطل می‌شود و فرقی ندارد که این کارش کم باشد یا زیاد، عمدی باشد یا سهوی. البته انجام کارهایی که صورت و حالت نماز را به هم نمی‌زند، مثل اشاره کردن با دست، نماز را باطل نمی‌کند.

۷- خوردن و آشامیدن: خوردن و آشامیدن باعث باطل شدن نماز می‌شود، اما اگر نمازگزار ذره‌های ریز غذا یا چیزهای دیگر را که در دهان دارد، در بین نماز فرو برد، نمازش صحیح است.

۸- کم و زیاد کردن ارکان و واجبات نماز: ما در سال‌های پیش با ارکان و واجبات نماز آشنا شدیم. اگر نمازگزار عمداً یا سهواً یکی از ارکان نماز مانند رکوع را کم یا زیاد کند، نمازش باطل می‌شود. البته کم یا زیاد کردن بقیه واجبات نماز، به جز ارکان تنها وقتی نماز را باطل می‌کند که عمدی باشد.

۹- شک کردن در رکعت‌های نماز دو یا سه رکعتی: اگر نمازگزار در حالی که نماز دو یا سه رکعتی می‌خواند، شک کند که در رکعت چندم نماز است و با کمی فکر و تأمل نیز شک او برطرف نشود، نمازش باطل می‌شود و همچنین اگر در دو رکعت اول نمازهای چهار رکعتی هم شک کند، نمازش باطل می‌شود.

چند مسئله مهم درباره نماز

● نماز گزار می‌تواند در قنوت نماز به زبان فارسی یا هر زبان دیگری دعا کند.

● اگر نمازگزار اذکار نمازش را آن قدر تند و با عجله بگوید که تلفظ آنها صحیح نباشد، نمازش باطل می‌شود.

● شکستن نماز واجب از روی اختیار حرام است، ولی برای جلوگیری از ضرر مالی یا بدنی مانعی ندارد.

● اگر اذکار واجب نماز را در حال حرکت بگوید؛ مثلاً بخشی از ذکر رکوع را در حالی بگوید که دارد از رکوع برمی‌خیزد، نمازش باطل می‌شود.

● اگر نمازگزار در بین نماز به قدری ساکت بماند که نگویند نماز می‌خواند، نمازش باطل می‌شود.

● نمازگزار نباید در حال نماز به دیگران سلام کند، ولی اگر دیگران به او سلام کنند، باید جواب سلام آنها را در حال نماز بدهد. البته جواب دادن به سلام غلطی که سلام به حساب نمی‌آید یا از روی

تمسخر انجام می‌شود، واجب نیست.

- جواب سلام نمازگزار به دیگران باید مانند لفظ سلام آنان باشد، مثلاً اگر کسی به نمازگزار بگوید: سلام؛ نمازگزار هم در جواب تنها باید بگوید: سلام؛ و اگر سلام‌کننده بگوید: سلام علیکم، نمازگزار هم در جواب باید بگوید: سلام علیکم.
- سرفه، عطسه و خمیازه کشیدن نماز را باطل نمی‌کند.
- اگر نمازگزار بعد از نماز شک کند که هنگام نماز، کاری که نماز را باطل می‌کند انجام داده است یا نه، نمازش صحیح است.



- در هر یک از موارد زیر توضیح دهید که آیا نماز نمازگزار صحیح است یا خیر.
- ۱- خیلی عجله دارد و به همین دلیل بعضی از اذکار نماز را در حال حرکت می‌گوید.
 - ۲- وسط اطاق نماز می‌خواند که برادر کوچکش محکم با سه چرخه به پایش می‌کوبد! او هم بی‌اختیار فریاد می‌زند: آخ! و بعد از کمی سکوت، نمازش را ادامه می‌دهد و بعد از پایان نماز هم دو سجده سهو انجام می‌دهد.
 - ۳- مشغول خواندن حمد و سوره است که ناگهان از پشت سرش صدای بلندی می‌شنود، بی‌اختیار برمی‌گردد و به پشت سرش نگاه می‌کند. سپس خیلی زود تا حواسش جمع می‌شود رو به قبله برمی‌گردد و بقیه حمد و سوره‌اش را می‌خواند.
 - ۴- درحالی که در مقابل تلویزیون نماز می‌خواند، خواهرزاده کوچکش تلویزیون را روشن می‌کند. با دیدن یکی از صحنه‌های فیلم خنده‌اش می‌گیرد، ولی با تلاش فراوان خودش را کنترل می‌کند و فقط آرام می‌خندد.
 - ۵- در رکعت سوم مشغول تسبیحات اربعه است که خبر مهمی را از تلویزیون می‌شنود. برای اینکه درست متوجه خبر شود چند دقیقه سکوت می‌کند و پس از تمام شدن آن بخش از خبر، بقیه تسبیحات را می‌گوید.
 - ۶- در بین نماز، گوشی تلفن همراهش زنگ می‌زند، بدون اینکه ذکر بگوید، آن را از جیبش درمی‌آورد و سپس خاموش می‌کند و نمازش را ادامه می‌دهد.



- ۱- پنج مورد از مبطلات نماز را نام ببرید.
- ۲- در چه زمانی انسان می تواند جواب سلام کسی را که در نماز به او سلام کرده است، ندهد؟
- ۳- اگر نمازگزار در نماز مغرب شک کند که دو رکعت خوانده است یا سه رکعت، نمازش چه حکمی دارد؟



امیر المؤمنین **علیه السلام** می فرماید :
هنگامی که انسان به نماز می ایستد، به خاطر رحمت خداوند که او را فرا گرفته است، شیطان با حسادت به او می نگرد.^۱



با مراجعه به رساله توضیح المسائل مرجع خودتان، سایر مواردی که موجب باطل شدن نماز می شود را مشخص کنید و در کلاس برای دوستانتان بخوانید.

فصل سوم: جامعه



محیطی که در آن زندگی می‌کنیم - خوب یا بد - تأثیر مستقیمی بر افکار و رفتارهای ما دارد. به همین دلیل لازم است ویژگی‌های محیط مناسب را بشناسیم تا بتوانیم آن را سالم نگه داریم و از آن بهتر استفاده کنیم.

درس ششم (ثمرات انقلاب اسلامی) به بررسی محیط عمومی جامعه ما قبل و پس از پیروزی انقلاب می‌پردازد و ویژگی‌های مثبتی را که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در کشورمان شکل گرفت، بیان می‌کند. این درس با یادآوری دشمنان این کشور، نقشه‌های آنان را برای از بین بردن محیط سالم جامعه اسلامی توضیح می‌دهد.

درس هفتم (جهاد) فضیلت جهاد در اسلام و انواع جهاد را توضیح می‌دهد و سپس نشان می‌دهد که کسب آمادگی دفاعی تا چه اندازه اهمیت دارد.



ثمرات انقلاب اسلامی



شما در کتاب تاریخ و با جنگ‌های ایران و روسیه در زمان حکومت قاجار آشنا شدید. یادآوری عهدنامه گلستان، ترکمانچای و... چه احساسی در شما به وجود می‌آورد؟
 ضمن مقایسه جنگ‌های ایران و روسیه با جنگ تحمیلی ایران و عراق نتیجه را با هم مقایسه کنید.



دیروز و امروز

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، ده‌ها هزار مستشار خارجی – که چهل هزار نفر آنان آمریکایی بودند – کارهای مختلف را در کشور ما به دست داشتند. آنها به ما این‌گونه الفاکرده بودند که ایرانی نمی‌تواند در دنیای علم و صنعت حرفی برای گفتن داشته باشد. در آن زمان دستگاه‌های صنعتی را با پرداخت هزینه‌های بسیار هنگفت از ابرقدرت‌ها می‌خریدیم، اما برای استفاده از آن دستگاه مجبور بودیم کارشناسان و مهندسان را نیز از همان کشورها به ایران بیاوریم. غربی‌ها تحقیر و توهین به ملت ما را به حدی رسانده بودند که ما را مردمی وحشی می‌دانستند و به‌خاطر حضور در ایران، حقوق فوق‌العاده‌ای به نام حق توخس می‌گرفتند.

وضعیت بهداشت در شهرها و روستاهای ما اسفناک بود و مجبور بودیم از ده‌ها هزار پزشک پاکستانی و هندی در ایران استفاده کنیم.

در آن زمان در میان بیش از پنجاه و چهار هزار روستای کشور تنها دو هزار روستا از برق برخوردار بودند. بی‌سوادی گسترده مردم را آزار می‌داد و کمتر از نیم درصد مردم می‌توانستند به دانشگاه بروند!

انتخابات کاملاً نمایشی بود و نمایندگان مجلس و بقیه مسئولان کشور توسط شاه و دربار انتخاب می‌شدند. معادن مختلف و منابع نفت و گاز ما به دست غربی‌ها به یغما می‌رفت. حکومت شاه با هر چیزی که رنگ و بوی دینی داشت مخالفت می‌کرد و با دایرکردن مراکز فساد، جوانان را از دین دور می‌کرد.

در این شرایط بود که مردم ایران به رهبری مرجع دینی خود امام خمینی در برابر حکومت شاه قیام کردند و او را سرنگر ساختند.

انقلاب اسلامی بیش از آنکه یک حرکت سیاسی در تاریخ کشورمان به شمار آید، بازگشتی دوباره به دین و ارزش‌های دینی است و به همین دلیل ثمراتی بیش از یک حرکت سیاسی را به دنبال داشته است.

ثمرات انقلاب اسلامی

یکی از ثمرات ارزشمند انقلاب، زنده شدن روحیه خودباوری و احساس بزرگی در میان ملت ایران است.

مردم ایران نشان دادند ملتی که با هم متحد باشد و برای خدا قیام کند، می تواند با رهبری مدیرانه هر مشکلی را حل کند و خود را به قله های پیشرفت و سعادت برساند.

فکر می کنید چند کشور در دنیا می توانند موجودات زنده را شبیه سازی کنند؟

چند کشور از فناوری پرتاب ماهواره به فضا برخوردارند؟

چند کشور به فناوری پیچیده هسته ای دست یافته اند؟

اینها بخشی از پیشرفت های علم و فناوری در کشور ماست که باعث شده است تا ایران در میان کشورهای منطقه به بالاترین رشد تولید علم دست یابد و در برخی رشته های علمی جزء پنج کشور اول جهان قرار گیرد.

این پیشرفت های عظیم موجب شده است ملت های محروم با الگو گرفتن از انقلاب اسلامی ایران، برای رهایی از وابستگی به ابرقدرت ها تلاش کنند. امروزه بیداری اسلامی در جهان اسلام و حتی فراتر از آن حرکت های حق طلبانه مردم در نقاط دیگر جهان نیز بیش از هر چیز مرهون حرکت ملت ایران در برابر استکبارگران جهانی است.



به نظر شما ابرقدرت هایی که سالها به استثمار ملت های محروم پرداخته اند، آیا حاضرند به راحتی از ثروت های این کشورها چشم پوشی کنند؟
فکر می کنید آنها چه برنامه ای برای ادامه غارتگری در این کشورها دارند؟

نقشه های شیطانی

مشرکان مکه با ظهور اسلام موقعیت خود را در خطر دیدند. ابتدا تلاش کردند تا با پیشنهاد های فریبنده به پیامبر اکرم **صلی الله علیه و آله وسلم** او را از ادامه دعوت مردم به اسلام منصرف کنند. اما هنگامی که دیدند نمی توانند رسول خدا را فریب دهند، دشمنی خود را با مسلمانان آشکار کردند.

آنها مسلمانان را در محاصره شدید اقتصادی - در شعب ابی طالب - قرار دادند تا مجبور شوند

دست از اسلام بردارند و دوباره اختیار خود را به دست مشرکان بسپارند.

ماجرای فوق در سال‌های اول پیروزی انقلاب اسلامی برای ما نیز تکرار شد و آمریکا و هم‌پیمانانش طرح تحریم (محاصره) اقتصادی ایران را به تصویب سازمان ملل رساندند.^۱

گام دوم غارتگران برای به زانو درآوردن ملت ایران، جنگ بود. رژیم بعثی صدام در شهریور ۱۳۵۹ به دستور آمریکا جنگی را در برابر ما آغاز کرد که هشت سال به طول انجامید. اگرچه در این جنگ بسیاری از دولت‌های چپاول‌گر از رژیم صدام حمایت می‌کردند، اما باز هم اراده‌ی خداوند بر اراده‌ی شیطان پیروز شد و ملت ایران با اتکالی به خداوند و بدون کمترین وابستگی به قدرت‌های بیگانه توانست نیروهای متجاوز را از میهن اسلامی بیرون براند.^۲

این واقعه نیز کاملاً شبیه همان برنامه‌ای بود که مشرکان صدر اسلام برای شکست مسلمانان ترتیب دادند. آنها نیز هنگامی که دیدند نمی‌توانند در برابر اسلام کاری از پیش ببرند، با یکدیگر متحد شدند و به جنگ با رسول خدا **صلی الله علیه و آله و سلم** پرداختند. این شباهت‌ها به ما نشان می‌دهد که برنامه‌های شیطان برای گمراهی انسان‌ها همواره ثابت بوده است و تنها افراد هستند که در طول تاریخ جایشان را به یکدیگر می‌سپارند.

محاصره اقتصادی، حمله نظامی، ترور و بمب‌گذاری، تفرقه‌افکنی و تلاش برای کودتا و ایجاد جنگ داخلی . . . اینها همه نقشه‌هایی بود که استعمارگران بارها و بارها آنها را پس از انقلاب به کار گرفتند، اما باز هم نتوانستند اسلام را در این کشور شکست دهند. پس از این مراحل بود که آنان به فکر استفاده از آخرین و مخرب‌ترین سلاح خود در برابر ملت ایران افتادند.

می‌توانید حدس بزنید این سلاح چیست؟

۱- این تحریم‌ها هنوز هم برطرف نشده است و دولت‌های استکباری به مناسبت‌های مختلف تلاش می‌کنند تا دایره تحریم را تنگ‌تر کنند.

۲- در طول جنگ تحمیلی، در میان افرادی که به اسارت نیروهای ما درآمده بودند، سربازانی از ۲۵ ملیت و کشور مختلف وجود داشتند و حتی در مواردی که آمریکایی‌ها می‌دیدند، شکست صدام نزدیک است، خودشان مستقیماً وارد جنگ می‌شدند.

شکست عبرت انگیز

از فتح آندلس^۱ توسط مسلمانان بیش از صد سال می‌گذشت و کشوری آباد و پیشرفته شده بود. مرکزی برای تجارت، کسب دانش و صنعت. این موضوع در کنار سودی که برای اروپایی‌ها داشت، حساسیت عده‌ای را نیز برانگیخته بود.

وجود کشوری مسلمان و پیشرفته در اروپا، مایه نگرانی کشورهای مسیحی همسایه شده بود. جوانان مسیحی که پیشرفت‌های مسلمانان را می‌دیدند، رفته رفته به آنها علاقمند می‌شدند و در نهایت مسلمان می‌شدند و تحمل این وضع برای بزرگان این کشورها دشوار بود. از طرفی آنها می‌دانستند با مسلمانان نمی‌توانند بجنگند، پس باید چاره دیگری می‌اندیشیدند. آنها فکر کردند و نقشه کشیدند و باز نقشه کشیدند تا اینکه بالاخره:

— : جناب امیر ما از طرف پادشاه خود برای شما پیشنهادی آورده‌ایم. ما حاضریم برای شما مدرسه و اماکن تفریحی رایگان بسازیم و خودمان نیز بدون اینکه از شما پولی بخواهیم آنها را اداره کنیم. مسلمانان می‌توانند به صورت رایگان از این مراکز استفاده کنند. به علاوه ما حاضریم با شما قراردادی برای تجارت آزاد امضا کنیم؛ یعنی بازرگانان ما و شما بتوانند هر کالایی را که دارند آزادانه به کشورهای یکدیگر ببرند و خرید و فروش کنند ...



مدتی بعد، کودکان و نوجوانان مسلمان به مدارس می‌رفتند که همسایگان نیرنگ بازشان آنها را اداره می‌کردند. آنها در این مدارس بدون اینکه خود بدانند، نزد معلمان مسیحی تعلیمات مسیحی می‌دیدند.

مراکز تفریحی آنان نیز توسط زنان بی‌حیا و آلوده‌ای اداره می‌شد که گروه گروه از کشورهای همسایه وارد آندلس می‌شدند.

در این میان، بازرگانان مسیحی بر اساس قراردادی که داشتند، هر روز بشکه‌های بزرگ شراب را روانه مراکز تفریحی مسلمانان می‌کردند و جوانان مسلمان، بی‌خبر از دامی که برایشان پهن شده بود جذب این مراکز می‌شدند.

همکاری‌های تجاری با مسیحیان باعث نزدیکی حاکمان مسلمان به پادشاهان مسیحی کشورهای همسایه نیز شده بود، حاکمان مسلمان هر روز از هم دورتر و به

۱- آندلس شامل کشور اسپانیا و بخش وسیعی از کشور پرتغال امروزی است.

مسیحیان وابسته تر می شدند.

چند سال بعد، دیگر در آندلس نه از فرماندهان دلاور خبری بود و نه از سربازان غبور و از جان گذشته و فاتح. تنها چیزی که از آندلس بزرگ باقی مانده بود حاکمانی وابسته، جامعه‌ای بی تفاوت و جوانانی بی اراده و غرق در عیاشی و خوشگذرانی بود. در این بین، عده کمی هم بودند که هنوز در این باتلاق فرو نرفته بودند، اما از دست آنان کاری بر نمی آمد. این همان موقعیتی بود که دشمنان اسلام سال‌های طولانی انتظار آن را می کشیدند. سربازان مسیحی با اولین حمله، آندلس را تسخیر کردند و پس از صدها سال دوباره مردم آن سرزمین را با شمشیرهایشان مسیحی کردند و هرکس هم که حاضر نشد از اسلام دست بکشد از دم تیغ گذراندند.^۱

شبیخون فرهنگی

امروزه قدرت‌های بزرگ به خوبی دریافته‌اند که جنگ‌های نظامی علاوه بر هزینه‌های بسیار گزاف، باعث تنفر ملت‌ها نیز می‌گردد. به همین دلیل آنها برای به زانو درآوردن ملت‌ها راهکار جدیدی به نام جنگ نرم^۲ یا شبیخون فرهنگی را در پیش گرفته‌اند. شایعه پراکنی^۳، ایجاد تفرقه بین مردم و مسئولان کشور، تولید فیلم‌های ضد ایرانی و ضد اسلامی، تهیه و پخش فیلم‌ها و تصاویر زشت و مبتذل، ساخت بازی‌های رایانه‌ای مخرّب، تولید و پخش مواد مخدر در بین جوانان و تلاش همه جانبه برای ترویج بی‌حجابی و بی‌عفتی، بخشی از این جنگ نرم بر علیه ملت و فرهنگ ماست.^۴

۱- برگرفته از: تاریخ حکومت مسلمین بر اروپا (محمد ابراهیم آیتی)؛ تمدن اسلام و عرب (گوستاو لوبون)؛ تاریخ فتوحات اسلام در

اروپا (شکیب ارسلان)

۲- جنگ نرم به اقداماتی گفته می‌شود که به وسیله آن می‌توان یک کشور را بدون استفاده از نیروهای نظامی سرنگون کرد.

۳- یکی از شایعاتی که دشمن به شدت در مورد آن تبلیغ می‌کند این است که جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد بمب اتمی بسازد. دشمن با ایجاد و گسترش این شایعه می‌خواهد ما را از استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای - که حق مسلم هر کشوری است - محروم و تمامی دنیا را به کشور عزیزمان بدبین سازد.

۴- خوب است بدانیم که مجلس نمایندگان آمریکا هر سال به صورت رسمی ده‌ها میلیون دلار را به طرح‌هایی که بتواند نظام اسلامی را در ایران از بین ببرد، اختصاص می‌دهد که این مبلغ معمولاً صرف شبکه‌های ماهواره‌ای تلویزیونی و رادیوهای ضد ایران می‌شود. البته مبلغ واقعی کمک‌های پنهانی صهیونیست‌ها و سایر دشمنان اسلام برای مقابله با انقلاب اسلامی بسیار بیشتر از مبالغی است که به صورت رسمی اعلان می‌شود.

دشمنان با استفاده از تجربیات شومی که از سرگذشت اندلس و حوادث مانند آن اندوخته‌اند، تمام تلاش خود را به کار گرفته‌اند تا با تکرار آن رویدادها ملت مسلمان ما را به زانو درآورند. کم‌اهمیت جلوه دادن حجاب، عادی‌سازی روابط نادرست بین دختران و پسران، ترویج بی‌عفتی و آلوده کردن جوانان از اصلی‌ترین نقشه‌های دشمنان در زمان حاضر است. آنها به خوبی می‌دانند که اگر جوانان مسلمان به دستورات اسلام درباره حفظ حجاب و پاکدامنی عمل کنند، شکست دادن آنها بسیار دشوار خواهد بود. پس تمام تلاش خود را به کار می‌بندند تا آنها را از تعلیمات حکیمانه اسلام دورنگه دارند.

قرآن کریم درباره این نیرنگ همیشگی دشمنان اسلام می‌فرماید:

و آنان پیوسته با شما می‌جنگند
تا شما را از دینتان برگردانند.
اگر بتوانند.

«وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ
حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ
إِنِ اسْتِطَاعُوا»^۱

این آیه به خوبی نشان می‌دهد که هدف اصلی دشمن از تحریم اقتصادی، جنگ نظامی و شبیخون فرهنگی چیزی جز نابودی باورهای دینی مردم و دور کردن آنها از دین نیست. اکنون ارزش این کلمات نورانی امیرمؤمنان **علیه السلام** برای ما روشن‌تر می‌شود که می‌فرماید:

پادشاه مجاهد شهید در راه خدا بزرگ‌تر از پادشاه انسان عقیف و پاکدامنی نیست که قدرت انجام گناه را دارد، ولی خود را آلوده نمی‌کند؛ انسان پاکدامن نزدیک است فرشته‌ای از فرشته‌ها شود.^۲

یک بار دیگر نقشه‌های بیگانگان را برای شکست ایران اسلامی مرور کنید و درباره راه‌های مقابله با این نقشه‌ها با دوستانتان در کلاس گفت و گو کنید.

۱- سوره بقره، آیه ۲۱۷.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۴۷۷.



- ۱- ثمرات انقلاب اسلامی را به صورت خلاصه بیان کنید.
- ۲- چند نمونه از اقدامات ابرقدرت‌ها برای شکست نظام اسلامی ایران را توضیح دهید.
- ۳- خطرناک‌ترین سلاح دشمن در جنگ علیه انقلاب اسلامی چیست؟ توضیح دهید.
- ۴- هدف اصلی دشمنان را از اجرای نقشه‌های مختلف در کشورهای اسلامی بیان کنید.



طبل توخالی

شاه جنایتکار از ایران فرار کرده و میلیاردها دلار از دارایی‌های ملت را نیز با خود از ایران خارج کرده است؛ در حالی که مردم ایران خواستار بازگرداندن او به ایران و محاکمه‌اش هستند و هیچ دولتی حاضر نیست او را بپذیرد، آمریکا اعلام می‌کند که با آغوش باز آماده پناه دادن به شاه است. دولت ایران از آمریکا می‌خواهد که شاه را به همراه دارایی‌های ایران به کشورمان بازگرداند، اما دولت آمریکا هیچ اعتنایی به درخواست ملت ایران نمی‌کند. هر روز از گوشه و کنار کشور خبر از اغتشاشاتی می‌رسد که ریشه در سفارت آمریکا در تهران دارد. جاسوسان آمریکایی با عنوان کارمند سفارت آمریکا در ایران، با تمام توان مشغول تهیه نقشه‌ای برای کودتای نظامی بر علیه انقلاب اسلامی هستند.



جوانان انقلابی و دانشجویان که از این همه شیطنت و نیرنگ آمریکایی‌ها به تنگ آمده‌اند، در حرکتی خودجوش به سفارت آمریکا یا همان لانه جاسوسی حمله و کارکنان آن را دستگیر می‌کنند. دانشجویان اعلام می‌کنند تا آمریکا شاه را به ایران بازنگرداند، جاسوسان را آزاد نمی‌کنند.

کارتر رئیس جمهور آمریکا شتابزده و خشمگین در برابر دوربین‌های خبری قرار می‌گیرد و اعلام می‌کند اگر ایران سریعاً جاسوسان را به کشورشان بازنگرداند، آمریکا به ایران حمله نظامی خواهد کرد.

انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نزدیک است و کارتر برای پیروز شدن در این انتخابات شدیداً نیازمند یک حرکت تبلیغاتی است و چه تبلیغاتی بهتر از حمله به ایران و آزاد کردن جاسوسان؟!

تهدیدهای نظامی آمریکا بسیاری از مردم را در نگرانی فرو برده است.

: « آمریکا بزرگ‌ترین قدرت نظامی روز دنیاست. مگر می‌شود در برابر آمریکا مقاومت کرد؟ راستی اگر آمریکا به کشورمان حمله کند چه اتفاقی خواهد افتاد؟ ... »
عده‌ای ترسو که هنوز در حال و هوای زمان شاه به سر می‌برند کم‌کم صدایشان در می‌آید: چه کسی می‌خواهد در برابر آمریکا بایستد؟ آنها را آزاد کنید و ماجرا را تمام کنید. آدم عاقل که با دم شیر بازی نمی‌کند ...

چیزی نمانده است که همین تهدیدها کار خودش را بکند که ناگهان ورق کاملاً بر می‌گردد. بقیه ماجرا را از کتاب خاطرات همیلتون جُردن (رئیس کاخ سفید و دست راست کارتر) می‌خوانیم: برژینسکی در حالی وارد دفتر رئیس جمهور شد که متن کامل سخنان [امام] خمینی نسبت به رئیس جمهوری آمریکا را در دست داشت. او خشمگین و عصبانی، بعضی از جملات آن را با صدای بلند برای ما می‌خواند:

« ... اینها خیال نکنند که ما همین‌طور نشسته‌ایم تا اینها هر غلطی می‌خواهند بکنند، نه این‌طور نیست. مسئله، مسئله انقلاب است. یک انقلاب بزرگ‌تر از انقلاب اول خواهد شد. باید سرجای خودشان بنشینند و این (شاه) خائن را برگردانند ... آمریکا توقع دارد که شاه را ببرد به آنجا (و علیه این ملت) توطئه کند، پایگاهی هم اینجا برای توطئه درست کند، و جوان‌های ما بنشینند و تماشا کنند؟ ... چرا ما باید بترسیم؟ کارتر طبل تو خالی است. او عرصه هیچ کاری را

ندارد... آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند...»

دیگر مطمئن بودیم که آنها می‌خواهند گروگان‌های آمریکایی را به اتهام جاسوسی محاکمه کنند. همه ما از تصور اینکه آنها افراد ما را محاکمه و سپس اعدام خواهند کرد بر خود لرزیدیم، این درحالی بود که ما با حالی نزار در کاخ سفید نشسته بودیم و نمی‌دانستیم چه کار باید بکنیم! برای من روشن بود که کلید انتخابات ما در دست کسان دیگری در آن سوی دنیا است؛ همان کسانی که تصمیم و عملشان تا آخرین لحظه برای ما قابل پیش‌بینی نیست. کارتر در هواپیما به من گفت: عجیب است که سرنوشت انتخابات ریاست جمهوری کشور بزرگ ما نه در شیکاگو یا نیویورک، بلکه در تهران تعیین می‌شود.

چند روز بعد در اَشپیگل^۱ خواندم که: «زمانی ایالات متحده می‌توانست تصمیم بگیرد که چه کسی در ایران بر مسند قدرت بنشیند، اما امروز، در ۱۹۸۰م. یک آیت‌الله در تهران می‌تواند سرنوشت انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده را تعیین کند.»

جهاد

اسامی زیر را یک بار مرور کنید :

قایل، آبره، اسکندر مقدونی، چنگیز خان مغول، هیتلر، صدام، جرج بوش!

این نام‌ها شما را به یاد چه موضوعی می‌اندازد؟

با نگاهی گذرا به تاریخ می‌بینیم که هرگاه انسان‌های بی‌ایمان و زیاده‌خواه به قدرتی دست می‌یابند، خیلی زود به جنگ و تجاوز روی می‌آورند و برای تسلط بر جان و مال ملت‌های دیگر به کشتار مردم بی‌گناه می‌پردازند.

این گروه – که در فرهنگ اسلام باطل نامیده می‌شوند – همواره بیشترین دشمنی را با حق دارند، چرا که می‌دانند در این نبرد همیشگی، مؤمنان به هیچ قیمتی در برابر آنها تسلیم نخواهند شد. به همین دلیل یاران شیطان همواره منتظر فرصتی هستند تا حق را برای همیشه از میان بردارند و راه را برای چپاول ملت‌های ضعیف هموار سازند.

به نظر شما وظیفه مؤمنان در این زمان‌ها چیست؟



جهاد در اسلام

کلمه جهاد در زبان عربی به معنای تلاش و کوشش است، اما برای این کلمه در فرهنگ اسلامی معنای دیگری نیز وجود دارد: مبارزه (جنگ) مسلحانه با دشمنان اسلام. جهاد در راه خدا در دین اسلام از چنان اهمیتی برخوردار است که حدود یکصد آیه از آیات قرآن کریم را به خود اختصاص داده است. خداوند بزرگ درباره این عبادت ارزشمند در قرآن می فرماید:

خداوند خریداری کرد	«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى
از مؤمنان، جان ها و اموالشان را	مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ
تا [در برابرش] بهشت برای آنان باشد.	بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ
[بنابراین آنان نیز] در راه خدا پیکاری کنند.	يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
می کشند و کشته می شوند.	فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ
این [موضوع] وعده حق خداوند	وَعِدًّا عَلَيْهِ حَقًّا
در تورات و انجیل و قرآن است	فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ
و چه کسی از خدا به عهدش وفادارتر است؟!	وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ
پس بشارت باد بر شما، به داد و ستدی که با خدا کرده اید	فَأَسْتَبْشِرُوا بَبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ
و این است آن پیروزی بزرگ!	وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» ^۱

همان طور که می بینیم، کسی که با دستور خداوند به جهاد با دشمنان برمی خیزد، همواره پیروز است؛ زیرا اگر دشمن را شکست دهد و خودش سالم به میهن باز گردد، علاوه بر افتخار و سربلندی، مغفرت و پاداش بزرگ خداوند نیز در انتظار اوست. و اگر در جنگ با دشمن شهید شود، به مقامی دست می یابد که نزد خداوند با هیچ مقام دیگری قابل مقایسه نیست؛ بنابراین جهاد در راه خدا مبارزه ای است که هرگز شکست ندارد.

۱- سوره توبه، آیه ۱۱۱.

انواع جهاد

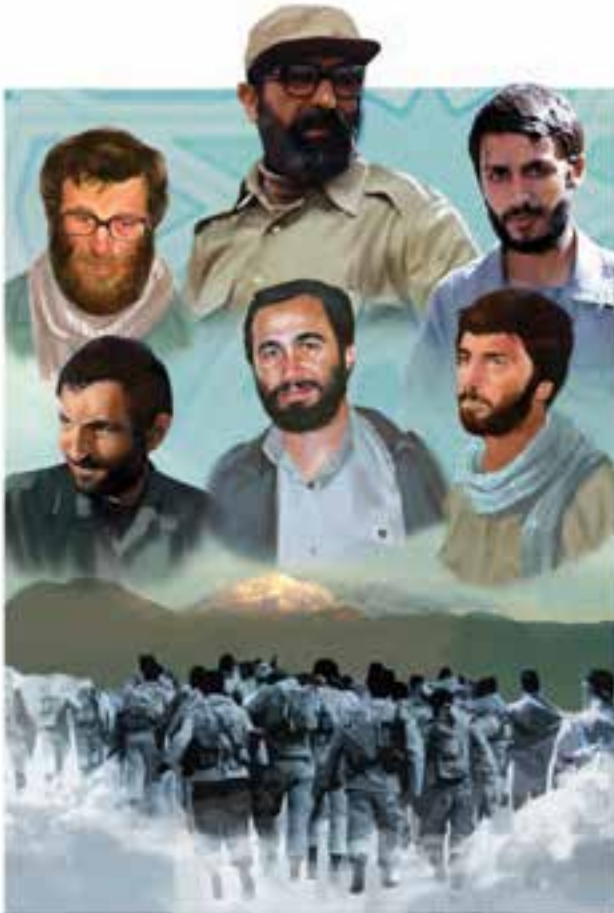
۱- جهاد دفاعی

وقتی کشور اسلامی مورد حمله دشمنان قرار می‌گیرد، بر همه مسلمانان - مرد، زن، پیر و جوان- واجب است با آنچه در توان دارند، به دفاع از کشور اسلامی برخیزند و دشمن را از سرزمین خود بیرون کنند.

دشمنان که می‌دانند دین اسلام همواره باعث بیداری و اتحاد مردم در برابر ظالمان و غارتگران بوده است، برای اینکه بتوانند ملت‌های دیگر را همیشه اسیر خود قرار دهند، پیش از هر چیز نقشه نابودی اسلام را در سر می‌پروراندند. از این رو، هرگونه سُستی و کوتاهی در دفاع از میهن اسلامی، گناهی نابخشودنی خواهد بود که عذاب الهی را

در پی خواهد داشت. جنگ‌های احد و احزاب در صدر اسلام، نمونه‌هایی از جهاد دفاعی مسلمانان در آن زمان هستند.

توجه داشته باشیم که دشمنان برای شکستن مقاومت مسلمانان هر کاری که بتوانند می‌کنند. آنها برای تضعیف جبهه حق، به دروغ مسلمانان را به خشونت طلبی و جنگ افروزی متهم می‌کنند، در حالی که خودشان با به راه انداختن جنگ‌های بزرگ (مانند جنگ‌های جهانی اول و دوم و ده‌ها جنگ بزرگ دیگر) میلیون‌ها انسان بی‌گناه را به خاک و خون کشیده‌اند و هر روز شعله جنگ‌های جدیدی را در دنیا برمی‌افروزند.



جنگ تحمیلی بر علیه کشور اسلامی ما ایران، نمونه‌ای امروزی از این دسیسه‌ها بر ضد اسلام است. **جهاد با سرکشان:** اگر در کشور اسلامی عده‌ای با گردن‌کشی در برابر قوانین، حکومت اسلامی را تضعیف کنند و به مبارزه مسلحانه با مأموران نظام اسلامی بپردازند، رهبر جامعه اسلامی با مدارا و ملایمت به ارشاد آنان می‌پردازد و در صورت توبه و بازگشت، جامعه اسلامی آنها را می‌پذیرد و با لطف و مدارا با آنان رفتار می‌کند.

ولی اگر این افراد از مدارای جامعه اسلامی سوء استفاده کنند و به مبارزه خود با نظام اسلامی ادامه دهند و امنیت جامعه را به خطر اندازند، مسلمانان موظف‌اند با دستور ولی فقیه، به جهاد و مقابله با این افراد برخیزند و خطر آنان را از جامعه اسلامی دور کنند. این نوع از جهاد نیز نمونه‌ای از جهادهای دفاعی است.

جنگ حضرت علی **علیه السلام** با خوارج نهروان در صدر اسلام نمونه‌ای از این نوع جهاد است.

۲- جهاد ابتدایی

خداوند بزرگ در قرآن کریم می‌فرماید:

چرا در راه خدا و [برای نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف^۱ نمی‌جنگید؟
[این ناتوانان] همان کسانی‌اند که می‌گویند: «پروردگارا، ما را از این شهری که مردمش ستم پیشه‌اند بیرون ببر، و از نزد خود برای ما سرپرست و مددکاری قرار ده».

کسانی که ایمان آورده‌اند، در راه خدا مبارزه می‌کنند و کسانی که کافر شده‌اند، در راه طاغوت^۲ می‌جنگند. پس با هواداران شیطان بجنگید که نیرنگ شیطان ضعیف است.^۳

این آیات به روشنی حاکمان زورگو و سرکشی را که مردم ناتوان را زیر سلطه خود نگاه داشته‌اند و نمی‌گذارند پیام خداوند به آنها برسد، هواداران شیطان می‌نامد. در این زمان لشکر اسلام موظف است - به دستور پیامبر و یا ولی مسلمین - با حاکمان شیطانی جهاد کند و مردم را از اسارت آنها نجات دهد و پیام خدا را به آنها برساند.

۱- مستضعف یعنی ناتوان نگاه داشته شده.

۲- شیاطین، بت‌ها، حاکمان ستمگر و هر معبودی به غیر از خداوند و هر مسیری که به غیر حق منتهی شود همه طاغوت است.

تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۸۰.

۳- سوره نساء، آیات ۷۵ و ۷۶.

البته اسلام هرگز عقاید خود را به زور بر هیچ گروهی تحمیل نکرده است و تنها با سرنگون کردن حاکمان فاسد، پیام دین را به مردم می‌رساند و آنان را در پذیرش این پیام آزاد می‌گذارد. نبرد سپاه اسلام با حکومت‌های ایران و روم در صدر اسلام، نمونه‌هایی از جهاد ابتدایی اسلام است.

بیت قرآنی

معین کنید که هر یک از نمونه‌های زیر به کدام یک از انواع جهاد مربوط‌اند؟

- ۱- جهاد مردم مظلوم عراق با نظامیان متجاوز آمریکایی
- ۲- جهاد مردم فلسطین با اشغالگران صهیونیست
- ۳- جهاد مأموران نیروی انتظامی با اشرار و قاچاقچیان مسلح
- ۴- مبارزه مأموران نیروی انتظامی با منافقین تروریست در کشور
- ۵- دفاع مقدس هشت‌ساله ایران در برابر ارتش صدام.

کسب آمادگی برای دفاع

تا اینجا دانستیم که جهاد در راه خدا وظیفه همگانی و عبادتی ارزشمند است. اما آیا تا حالا فکر کرده‌اید که اگر دشمنان به صورت ناگهانی به کشور اسلامی ما حمله کنند، چه کسانی می‌توانند به دفاع از اسلام برخیزند و در این عبادت بزرگ شرکت کنند؟ افرادی که هیچ مهارتی در فنون رزمی و جنگی ندارند، چگونه می‌توانند در برابر دشمنان ایستادگی کرده و آنان را شکست دهند؟ خداوند حکیم در این باره می‌فرماید:

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ
مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ
وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ
تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ
وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمْ
اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ﴾^۱

و [برای مقابله با آنها] آماده کنید
هرچه در توان دارید
و از اسب‌های ورزیده
تا با این کار دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید
و دشمنان دیگری که شما آنها را نمی‌شناسید
خداوند آنها را می‌شناسد.

می‌دانید دشمنان در چه زمانی به خود جرأت می‌دهند به کشوری اسلامی حمله کنند؟ اگر کشوری در اوج آمادگی و مهارت‌های نظامی باشد، هیچ بیگانه‌ای خیال حمله به این کشور را در سر نخواهد داشت. بنابراین، آمادگی نظامی، علاوه بر پیروزی در جنگ، فایده‌مهم دیگری دارد که همان ترساندن دشمن و جلوگیری از آغاز جنگ است. رسول اکرم **صلی‌الله‌علیه و آله** می‌فرماید:

سوارکاری و تیراندازی کنید (اگر تیراندازی کنید نزد من دوست‌داشتنی‌تر از سواری کاری است). خداوند بلندمرتبه سه نفر را به واسطه یک تیر به بهشت می‌برد؛
۱- مسلمانی که تیر را می‌سازد. ۲- مسلمانی که برای رضای خداوند تیرها را تهیه می‌کند و به دست رزمندگان می‌رساند و ۳- رزمنده‌ای که تیر را در راه خداوند به سوی دشمن پرتاب می‌کند.^۱

با دوستانتان در کلاس گفت و گو و بررسی کنید که ما برای بالا بردن توان دفاعی خود در دنیای امروز، باید چه آموزش‌هایی را فرا بگیریم؟

- ۱- اگر مردم کشوری که مورد تهاجم دشمنان قرار گرفته‌اند، از کشور خود دفاع نکنند، چه سرنوشتی در انتظار آنان خواهد بود؟
- ۲- جهاد دفاعی در چه زمان و بر چه کسانی واجب است؟
- ۳- اگر در جامعه اسلامی، عده‌ای به مبارزه با نظام اسلامی بپردازند و امنیت مردم را به خطر بیندازند، مسلمانان چه وظیفه‌ای دارند؟
- ۴- در جهاد با دشمنان اسلام، آیا پاداش خداوند تنها برای کسانی است که در میدان جنگ به مبارزه با دشمنان مشغول‌اند؟ توضیح دهید.

۱- کافی، ج ۵، ص ۵۰.

یکی از تصمیم‌های حکیمانه امام خمینی (ره) پس از پیروزی انقلاب اسلامی تشکیل بسیج بیست‌میلیونی بود که با هدف حفظ و افزایش آمادگی عمومی برای دفاع از میهن اسلامی و یاری‌رسانی به مردم شکل گرفت. شما می‌توانید به یکی از پایگاه‌های بسیج اطراف منزل خود مراجعه کنید و گزارشی از فعالیت‌های امروزی بسیج تهیه کنید و آن را برای دوستانتان در کلاس بخوانید.

سرمایه‌ای از جوانی

مسابقه با شور و هیجان در حضور خلیفهٔ ستمکار بنی‌امیه ادامه دارد که نگهبانان، امام باقر و فرزندش حضرت صادق **علیهما السلام** را وارد می‌کنند. وزیران، امیران لشکر و بزرگان کشور، همه در کاخ هشام بن عبدالملک حاضرند. آنها در کاخ نشانه‌ای گذاشته‌اند و در حضور هشام تیر می‌اندازند و هرکدام خود را از دیگران ماهرتر می‌دانند.

امام **علیه السلام** وارد می‌شود و بدون اینکه به شکوه ظاهری مجلس اعتنایی کند، در گوشه‌ای می‌نشیند. این کار هشام را خشمگین‌تر می‌کند. او امام را فقط برای این به مجلس احضار کرده است که قدرت خود را به رخ ایشان بکشد و در حضور وزیران و امیران لشکر، ایشان را تحقیر کند. مدت‌ها دنبال فرصتی برای این کار بوده و حالا این فرصت را به دست آورده است:

— ای ابا جعفر، بد نیست تو هم در مسابقه شرکت کنی!

هشام که از همین حالا آرزوی خود را برای تمسخر امام برآورده شده می‌بیند، منتظر جواب ایشان نمی‌ماند و فوراً به یکی از بزرگان می‌گوید: تیر و کمانت را به ابوجعفر بده!

امام علیه السلام می فرماید: ای هشام، بهتر است از من صرف نظر کنی که دیگر پیر شده‌ام.

— اصلاً! امکان ندارد! باید تیراندازی کنی!

امام که اصرار هشام را می بیند، بدون اینکه دیگر سخنی بگوید، کمان را می گیرد. سکوت، مجلس را فرا می گیرد. امام تیری در کمان می گذارد و زه کمان را با قدرت می کشد. کمان آن قدر خم می شود که چیزی نمی ماند دو سرش به هم برسد، و ناگهان تیر پر می کشد و ... در وسط هدف می نشیند و بیش از نیمی از آن در هدف فرو می رود. از آن جمعیت هیچ صدایی شنیده نمی شود. چشم‌ها به هدف خیره شده است و دهان‌ها از تعجب باز مانده اند.

یعنی درست می بینند؟! این تیراندازی یک پیر مرد بود؟!!

امام بدون آنکه سخنی بگوید بلافاصله تیر دوم را در کمان می گذارد و ... باورکردنی نیست. هر تیر به پشت تیر قبلی می خورد و آن را می شکافد و به جای آن می نشیند. نهمین تیر که در هدف می نشیند، امام علیه السلام کمان را به دست صاحبش می دهد و برمی گردد.

سکوت همه جا را فرا گرفته و چشم‌ها به تیرهای درهم فرو رفته خیره مانده است. زبان هشام از تعجب بند آمده است، در حالی که سعی می کند خشمش را پنهان کند، بریده بریده و آرام می گوید: ... آفرین! آفرین ای ابو جعفر! تو این تیراندازی را از کجا آموخته‌ای؟ امام علیه السلام با آرامش می فرماید: جوان که بودم، گاهی تمرین می کردم.^۱



فصل چهارم : معاد



می‌دانیم که مرگ پایان زندگی نیست بلکه پلی است که دو طرف زندگی ما (دنیا و آخرت) را به هم وصل می‌کند. هر انسانی دوست دارد بداند که پس از مرگ چه رویدادهایی منتظر اوست؟

در سال‌های پیش با برخی از رویدادهای پس از مرگ آشنا شدیم و دانستیم که اعمال ما می‌تواند بر حالت ما در هنگام مرگ و زندگی پس از آن تأثیرگذار باشد.

درس هشتم (روز رستاخیز) به برخی دیگر از اتفاقات روز قیامت اشاره می‌کند و به ما می‌آموزد که باید در دنیا چگونه باشیم تا در روز قیامت خوشحال و رستگار شویم.



روز رستاخیز

از خورشید فروزان، جز دایره‌ای کم‌رنگ و بی‌رمق چیزی باقی نمانده است! ستاره‌ها هم نوری ندارند. کوه‌های سستبر و بلندی که روزی میخ‌های زمین بودند اکنون مانند ابرها در حرکت اند و دریاها آتش گرفته‌اند.^۱ این هنوز اول ماجراست.



انسان‌ها دوباره زنده می‌شوند...

کتاب اعمال کسی را به دست راستش می‌دهند. کمی که نگاه می‌کند، آرامش به چهره‌اش برمی‌گردد. کم‌کم چهره‌اش روشن و روشن‌تر می‌شود و لب‌خند به لب‌هایش می‌نشیند. حالا بدون هیچ ترسی با اشتیاق کتابش را می‌خواند و ناگهان؛

آهای! بیایید کتابم را ببینید! از اول هم می‌دانستم که روز حساب در کار است...^۲

از همین حالا نشاط بهشت در چهره‌اش موج می‌زند. می‌خواهد نامه‌اش را به همه نشان دهد.

اما در گوشه‌ای دیگر، کتاب کسی را به دست چپش می‌دهند. از خجالت سرش را پایین می‌اندازد.

از همین حالا تکلیفش روشن است. طوری که کسی نبیند، آرام گوشه کتابش را باز می‌کند.

همین که نگاهی به کتابش می‌کند غباری تاریک صورتش را فرامی‌گیرد.

این دیگر چه کتابی است؟ هرچه انجام داده‌ام اینجاست! کاش اصلاً کارنامه‌ی اعمالم را نمی‌دادند!

ای کاش نمی‌دانستم حساب کارهایم چیست! کاش با مردن کارم تمام می‌شد! دارایی و ثروتم سودی

برایم نداشت، قدرتم نیز از دستم رفت.^۳

از غصه‌ی دستان خود را می‌گزد! دارد خودش را سرزنش می‌کند^۴ که ناگهان . . .

۱- سوره تکویر، آیات ۱-۳.

۲- سوره حاقه، آیات ۱۹-۲۰.

۳- سوره حاقه، آیات ۲۵-۲۹.

۴- سوره فرقان، آیه ۲۷.

قرآن کریم از روز قیامت با نام‌های مختلفی یاد کرده است: روز جدایی، روز حسرت، روز برانگیختن و روز حساب. با دقت در متنی که خواندیم مشخص کنید این نام‌ها به کدام یک از بخش‌های متن صفحه قبل اشاره دارد؟

علاوه بر نام‌هایی که به آنها اشاره شد، روز قیامت نام‌های دیگری نیز دارد. برخی از این نام‌ها عبارت‌اند از: روز جاودانگی، روز جزا، روز حق، روز معلوم، روز بزرگ، روز جمع شدن و... هر یک از این نام‌ها به ویژگی خاص روز قیامت اشاره دارد. در اینجا ویژگی دو نام از نام‌های روز قیامت را با هم بررسی می‌کنیم.

۱- روز حسابرسی

یکی از نام‌های روز قیامت یوم الحساب، یعنی روز حسابرسی است. در این روز تمام اعمال نیک و بد انسان‌ها - چه کوچک و چه بزرگ - مورد بازبینی و پرسش قرار می‌گیرند و هر کس در برابر یکایک کارهایی که انجام داده است، پاداش یا مجازات متناسب با عملش را دریافت خواهد کرد. حسابرسی روز قیامت به نحوی انجام می‌شود که هیچ عملی بدون بررسی باقی نمی‌ماند و تمامی کارهای کوچک و بزرگی که انسان در زندگی انجام داده است حسابرسی می‌شود. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا
يَرَهُ
وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا
يَرَهُ»^۱

هر کس هم‌وزن ذره‌ای کار خیر انجام دهد
[جزای] آن را می‌بیند!
و هر کس هم‌وزن ذره‌ای کار بد انجام دهد
[جزای] آن را می‌بیند!

۱- سوره زلزله، آیات ۷-۸.



حال که تمامی کارهای ما در روز قیامت به دقت حسابرسی می‌شود، وظیفه ما در برابر کارهایی که انجام می‌دهیم چیست؟

۲- روز جدایی

یکی دیگر از نام‌های روز قیامت یوم الفصل (روز جدایی) است. در این روز - همان‌طور که از نامش پیداست - انسان‌ها از یکدیگر جدا می‌شوند و هر کس به گروهی که کارهایشان شبیه آنها بوده است، می‌پیوندد.

به نظر شما برای نجات از چنین رنج بزرگی چه باید کرد؟

توشه‌های روز حساب

«الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» ^۱	کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، آنان اهل بهشتند، و در آن جاودان خواهند ماند.
--	--

اولین و مهم‌ترین چیزی که خداوند آن را مایه رستگاری انسان در روز قیامت می‌داند ایمان است. ایمان شرط اصلی سعادت و رهایی از زیان‌کاری است که بدون آن هیچ کار نیکی نیز سودمند نخواهد بود. آیا ایمان به تنهایی برای معاد انسان کافی است؟

در جواب باید گفت: ایمان وقتی می‌تواند انسان را به خوشبختی واقعی برساند که با عمل صالح همراه شود و در حقیقت، عمل صالح نشانه ایمان است و بدون اعمال نیک، ایمان نیز کم‌کم از قلب انسان رخت برمی‌بندد.

اتاقی را با چند پنجره باز تصور کنید. شما بیرون از اتاق ایستاده‌اید. اگر هنگام شب و در حالی که همه جا تاریک است، یک نورافکن بزرگ را در این اتاق روشن کنند، از بیرون اتاق چه چیزی دیده

۱ سوره بقره، آیه ۸۲.

می‌شود؟

آیا امکان دارد در حالی که پنجره‌ها باز هستند و مانعی هم بر سر راه نور قرار ندارد، از این اتاق روشن هیچ نوری خارج نشود؟
چشم، گوش، زبان و بقیه اعضای بدن ما پنجره‌های قلب ما هستند.
اگر نور ایمان واقعی در قلب کسی وجود داشته باشد، بدون شک این نور از قلب او فراتر می‌رود و در گفتار و رفتار او ظاهر می‌شود.
اکنون شاید برای شما هم این پرسش به وجود آمده باشد که در میان اعمال صالح، کدام یک می‌تواند فایده بیشتری در روز قیامت داشته باشد؟

نیکی‌های ماندگار

کسی که به ساخته شدن مسجد یا مدرسه‌ای کمک می‌کند و مردم تا سال‌های طولانی بعد از مرگ او از این مکان‌ها استفاده می‌کنند؛
کسی که به دیگران کار خوبی می‌آموزد و آنان پس از مرگ وی به آن کار عمل می‌کنند و خودشان هم همان کار را به دیگران می‌آموزند؛
کسی که درختی را می‌کارد و پس از مرگش دیگران از آن درخت استفاده می‌کنند؛
کسی که فرزندان نیکی تربیت می‌کند و آنان پس از مرگ او، برایش دعا و طلب آمرزش می‌کنند و کار خیر انجام می‌دهند؛
کسی که دیگران را از انجام کارهای ناشایست باز می‌دارد و به آنان کارهای خیر و خوب یاد می‌دهد.

کسی که با سال‌ها مطالعه و تحقیق کتاب‌های سودمندی می‌نویسد و دیگران با استفاده از آن کتاب‌ها رستگار می‌شوند؛

این گونه کارها، **باقیات الصالحات** نام دارند. کارهای نیکی که پس از مرگ صاحبشان نیز باقی می‌مانند و همچنان حسنات و پاداش‌های الهی را به پرونده اعمال او اضافه می‌کنند. این در حالی است که پرونده اعمال سایر کارهای نیک پس از مرگ بسته می‌شود و چیز جدیدی به آن افزوده نمی‌شود. بنابراین کسی که از خود کار نیک ماندگاری به جای می‌گذارد، مانند این است که سال‌های طولانی به عمر خود می‌افزاید و برای پربارتر کردن اعمال نیک خود فرصت بیشتری به دست می‌آورد.

نمونه‌های دیگری از نیکی‌های ماندگار (باقیات الصالحات) را نام ببرید.

- سه نام از نام‌های روز قیامت را بنویسید و علت یکی از این نام‌گذاری‌ها را توضیح دهید.
- باقیات الصالحات یعنی چه؟ دو نمونه از آن را نام ببرید.
- عبارت‌های زیر را مرتب کنید و با استفاده از آنها حدیث داخل مستطیل را کامل کنید.

اگر نماز بنده‌ای پذیرفته شود،

و اگر نمازش رد شود،

نماز است.

بقیه اعمالش نیز پذیرفته می‌شود،

اولین چیزی که در روز قیامت محاسبه می‌شود

بقیه اعمالش نیز مردود خواهد شد.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید:^۱

اولین چیزی که خواهد شد.

۱- بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۲۰.

فصل پنجم: راهنماشناسی



خداوند مهربان برای هدایت و کمک به ما راهنمایانی فرستاده است تا راه زندگی درست و رستگاری در دنیا و آخرت را به ما بیاموزند. پیامبران و امامان کسانی هستند که توجه به رفتار و سخنان آنها الگویی نیک برای سعادت است. در این فصل بیشتر با راهنمایان آشنا می‌شویم:

درس نهم (آخرین پیامبر و آخرین پیام) به ما می‌آموزد که رسول اکرم **صلی‌الله‌علیه‌وآله** آخرین رسول الهی و خاتم پیامبران است و معجزه جاوید او قرآن کریم، آخرین و کامل‌ترین نسخه شفابخش الهی برای انسان‌هاست.

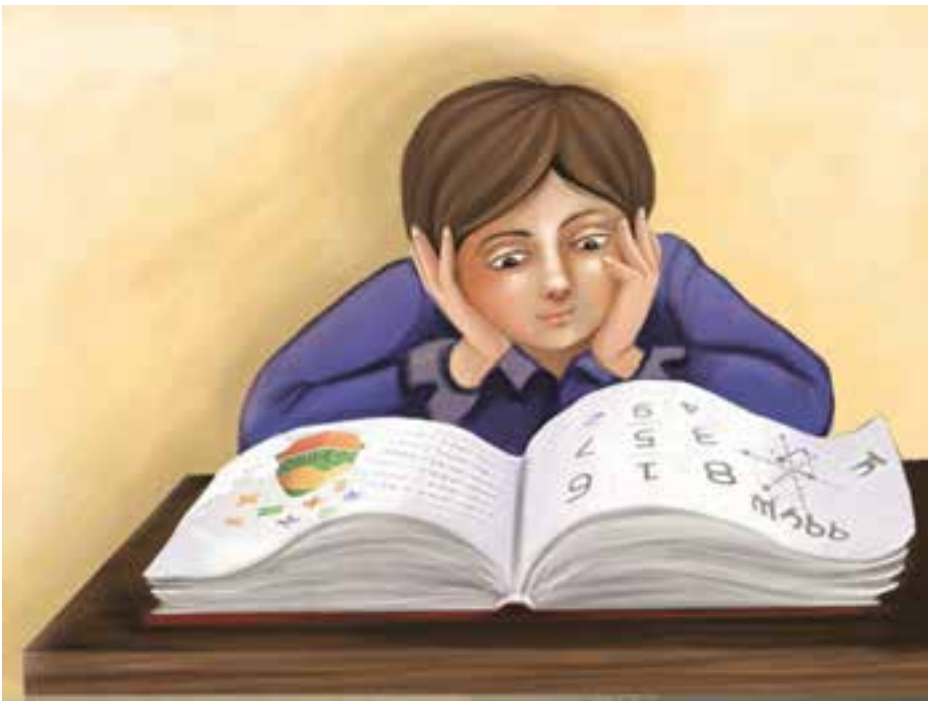
درس دهم (پیوند ناگسستنی) با اشاره به ارتباط عمیق اهل بیت پیامبر **علیهم‌السلام** و قرآن کریم، به ما می‌آموزد که آنان معلمان واقعی قرآن کریم هستند و در میان تمام افراد بشر، هیچ‌کس به اندازه آنان از اسرار و معارف قرآن کریم باخبر نیست.

درس یازدهم (وقتی اسلام کامل شد) با بیان یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخ اسلام یعنی واقعه غدیر خم، به مسئله جانشینی پیامبر خدا **صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم** می‌پردازد و نشان می‌دهد که پس از پیامبر اعظم، شایسته‌ترین فرد برای رهبری مردم امیرالمؤمنین علی **علیه‌السلام** است.

درس دوازدهم (رهبری در عصر غیبت) به این پرسش پاسخ می‌دهد که در زمان غیبت، رهبری و هدایت مردم به‌عهده چه کسانی است و این افراد چه ویژگی‌هایی باید داشته باشند؟



آخرین پیامبر و آخرین پیام



کودک هفت ساله‌ای را تصور کنید که برای اولین بار به مدرسه آمده است.
معلم این کودک چگونه مسائل ریاضی را به او می‌آموزد؟
آیا معلم در همان روزها و هفته‌های اول می‌تواند شیوهٔ گرفتن جذر اعداد و یا ضرب و تقسیم اعداد کسری را به او یاد دهد؟ چرا؟



خاتم النبیین

در طول تاریخ هرچه فهم و درک انسان‌ها رشد بیشتری می‌کرد، آمادگی برای پذیرش پیام‌های مهم‌تر و کامل‌تر خداوند نیز بیشتر می‌شد و در نتیجه، پیامبران الهی برای آنها معارفی را بازگو می‌کردند که پیشینیان، از درک آن معارف ناتوان بودند.

پیام‌های اصلی همه پیامبران با هم یکسان است و اگر ناتوانی انسان‌ها در فهم آن پیام‌ها نبود، خداوند بزرگ همه پیام‌هایش را در اولین کتاب هدایت برای بشر ارسال می‌کرد.

بنابراین هر یک از پیامبران علاوه بر اینکه مردم زمان خود را با زبانی ساده راهنمایی می‌کردند، ظرفیت آنان را نیز برای دریافت معارف عمیق‌تر و کامل‌تر خداوند افزایش می‌دادند و مقدمات دعوت پیامبر بعد از خود را فراهم می‌کردند.

این مسیر ادامه داشت تا اینکه جامعه انسانی کم‌کم به مرز آمادگی نهایی خود برای درک والاترین معارف الهی رسید. در این زمان بود که آخرین پیامبر الهی برای رساندن مهم‌ترین پیام‌های خداوند حکیم به مردم، برانگیخته شد.



شعر زیر را بخوانید و ضمن گفتگو درباره آن، بیان کنید که با موضوع درس چه ارتباطی دارد؟

نام احمد نام جمله انبیاست چون که صد آمد نود هم پیش ماست^۱

قرآن، آخرین پیام

اکنون که می‌دانیم رسول خدا صلی الله علیه وآله آخرین پیامبر الهی است، کاملاً روشن است که کتاب آسمانی ایشان قرآن نیز آخرین و کامل‌ترین کتابی است که از طرف خدا به زمین نازل شده است و انسان‌ها پس از آن، دیگر وحی و کتاب آسمانی از خداوند دریافت نخواهند کرد.

اهمیت فوق‌العاده قرآن کریم موجب شده است قرائت این کتاب آسمانی از نیکوترین اعمال به‌شمار رود و پاداش بزرگ خداوند را به دنبال داشته باشد.

امام صادق علیه السلام درباره فضیلت تلاوت قرآن می فرماید:

جوان با ایمانی که قرآن بخواند، قرآن با گوشت و خونس آمیخته می شود و خداوند او را در ردیف فرشتگان ارجمند و نیکوکار قرار می دهد. قرآن در روز قیامت، محافظ او می شود [و] می گوید: پروردگارا، هرکس که عملی انجام داده، مزد و پاداش کارش را گرفته است، پس به کسانی که به من عمل کرده اند نیز نیکوترین هدیه هایت را عطا کن.^۱

شایسته است تلاوت قرآن کریم همراه با تدبیر و تفکر باشد؛ یعنی در معانی آیات اندیشه کنیم و آنها را در زندگی خود به کار ببریم. برای رسیدن به این هدف، لازم است در طول شبانه روز مقدار معینی از وقت خود را برای تلاوت قرآن قرار دهیم. تلاوت و تدبیر در قرآن کریم آن قدر ارزشمند و مفید است که خداوند برای آن اندازه خاصی قرار نداده و فرموده است:

«...فَاقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ...»

هر قدر برایتان میسر است قرآن بخوانید.^۲

خداوند در قرآن کریم، آداب قرائت قرآن و تأثیر آن را این گونه بیان کرده است:

«مؤمنان قرآن را آن گونه که شایسته است تلاوت می کنند؛^۳ بنابراین هنگامی که خواستید قرآن بخوانید به خداوند پناه ببرید^۴ (یعنی بگوئید اعوذ بالله من الشیطان الرجیم)، قرآن را شمرده شمرده و آرام بخوانید^۵ و وقتی که قرآن خوانده می شود به آن گوش کنید.^۶ بهترین زمان قرآن خواندن طلوع فجر است و بیشترین تأثیر را دارد.^۷ قرآن کریم انسان ها را از تاریکی های ظلمت به روشنایی هدایت می رساند^۸ و موجب شفا یافتن [دل] مؤمنان و رحمت بر آنان می شود.^۹»

اکنون شاید از خودمان پرسیم علت این همه تأکید بر قرائت قرآن چیست و چگونه ممکن است یک کتاب چنین نقش مهمی را در سعادت انسان داشته باشد؟

۱- کافی، ج ۲، ص ۶۰۳.

۲- سوره مزمل، آیه ۲۰.

۳- سوره بقره آیه ۱۲۱. ۴- سوره نحل آیه ۹۸. ۵- سوره مزمل آیه ۴. ۶- سوره اعراف آیه ۲۰۴.

۷- سوره اسراء آیه ۷۸. ۸- سوره حج آیه ۷۲. ۹- سوره اسراء آیه ۸۲.

پاسخ این سؤال را باید در محتوای قرآن جست و جو کنیم. قرآن کریم تنها کتاب جاویدانی است که می‌تواند به پرسش‌های اساسی و مهم انسان‌ها پاسخ درست بدهد. این پرسش‌ها عبارت‌اند از:

من کیستم؟

آفریدگارم کیست و از کجا آمده‌ام؟

در این دنیا چگونه باید باشم؟

راهنمایان من چه کسانی هستند؟

پس از مرگ چه سرنوشتی در انتظار من است؟

این پرسش‌ها محدود به زمان خاصی نیست و انسان‌ها همواره برای یافتن پاسخ‌های درست تلاش کرده‌اند.

روزها فکر من این است و همه شب سختم
از کجا آمده‌ام آمدنم بر چه بود؟
که چرا غافل از احوال دل خوشتم
به کجای می‌روم آخر نمایی و ظم^۱

امیر مؤمنان علیه السلام درباره قرآن می‌فرماید:

«... قرآن پند دهنده‌ای است که فریب نمی‌دهد.

هدایت‌کننده‌ای است که گمراه نمی‌سازد و سخنگویی است که هرگز دروغ نمی‌گوید.

کسی با قرآن هم‌نشین نشد مگر آنکه قرآن چیزی بر او افزود و یا چیزی از او کاست، بر هدایت

او افزود و از گمراهی و کوردلی‌اش کاست.

بدون قرآن هیچ‌کس بی‌نیاز نخواهد شد، قرآن را یاد بگیرید که بهترین کلام است. قرآن را بفهمید

که بهار دل‌هاست. مراقب باشید در عمل به قرآن کسی از شما سبقت نگیرد.

به وسیله قرآن خواسته‌های خود را از خدا بخواهید و با دوستی قرآن به خدا روی آورید؛ زیرا

وسیله‌ای برای تقرّب بندگان به خدا، بهتر از قرآن وجود ندارد.

پس شما در گروه عمل‌کنندگان به قرآن باشید و از قرآن پیروی کنید. با قرآن خدا را بشناسید و

خود را با قرآن اندرز دهید.»^۲



توضیح دهید براساس توصیف امیرالمؤمنین چگونه می‌توان از قرآن بهره گرفت. برای

این کار جدول را تکمیل نمایید.

ویژگی قرآن	وظیفه ما در برابر این ویژگی
پند دهنده‌ای که فریب نمی‌دهد	
هدایت‌کننده‌ای که گمراه نمی‌سازد	
سخنگویی که دروغ نمی‌گوید	
ما را هدایت می‌کند	
اندرزدهنده ما انسان‌هاست	

پیام‌های اصلی قرآن

با نگاهی کلی به آیات کتاب خدا می‌بینیم که محتوای این کتاب آسمانی به چند دسته کلی تقسیم

می‌شود:

- ۱- خداشناسی، دعوت به یکتاپرستی و نهی از پرستش غیر خدا،
 - ۲- معاد و سرنوشت انسان پس از مرگ و توصیف بهشت و جهنم،
 - ۳- معرفی پیامبران و دعوت مردم به الگو گرفتن از آنان،
 - ۴- سرگذشت اقوام پیشین و عبرت گرفتن از سرانجام آنها،
 - ۵- وظایف مردم در برابر یکدیگر و راه درست معاشرت با دیگران و
 - ۶- یادآوری نعمت‌های الهی و تشویق مردم به تفکر درباره آنها و قدردانی و اطاعت از خداوند.
- همان‌گونه که می‌بینیم محتوای قرآن کریم بهترین پاسخ‌ها به پرسش‌های اصلی انسان است و هیچ کس به اندازه آفریدگار حکیم با او و نیازهایش آشنا نیست.

با توجه به پیام‌های اصلی قرآن مشخص کنید آیات ذیل به کدام هدف اشاره دارند.

	<p>وَ أَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً نَبَاجًا^۱ از ابرهای باران‌زا آبی فراوان نازل کردیم</p>
	<p>يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَمَأْتُونَ أَفْوَاجًا^۲ روزی که در صور دمیده شود و شما فوج فوج بیاید</p>
	<p>هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَىٰ إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى^۳ آیا داستان موسی به تو رسیده است آن‌گاه که پروردگارش او را در وادی مقدس طوی ندا داد</p>
	<p>وَيَلِّ لِلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ^۴ وای بر کم‌فروشان، آنان که وقتی برای خود پیمانه می‌کنند، حق خود را به‌طور کامل می‌گیرند، و اما وقتی می‌خواهند برای دیگران پیمانه یا وزن کنند، کم می‌گذارند</p>
	<p>الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ^۵ آن‌خدایی که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن اوست، و بر هر چیزی ناظر است</p>
	<p>هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ فِرْعَوْنَ وَ ثَمُودَ؟ آیا داستان لشکرها را شنیده‌ای؟ لشکرهای فرعون و قوم ثمود؟</p>

سؤالات

- ۱- چرا خداوند حکیم، تعالیم عمیق قرآن را به اقوام پیش از اسلام نازل نفرمود؟
- ۲- طبق فرمایش حضرت امیرمؤمنان، همنشینی با قرآن چه تأثیراتی بر انسان می‌گذارد؟
- ۳- براساس روایت امام صادق **علیه السلام** تأثیر قرائت قرآن در جوانی چیست؟
- ۴- چرا قرآن کریم کتاب جاویدان هدایت تمامی انسان‌هاست؟

۱- سوره نازعات، آیات ۱۵-۱۶.

۲- سوره نبأ، آیه ۱۸.

۳- سوره نبأ، آیه ۱۴.

۴- سوره بروج، آیات ۱۷-۱۸.

۵- سوره بروج، آیه ۹.

۶- سوره مطفین، آیات ۱-۳.

یک بار دیگر به محتوای اصلی قرآن که در درس گفته شد مراجعه کنید. برای هر مورد دو آیه در قرآن پیدا کنید و در کلاس با ترجمه برای دوستانتان بخوانید.

یکی از نزدیکان امام خمینی (ره) می گوید:
امام هر روز مقداری قرآن می خواند. این یکی از کارهای روزانه ایشان بود که بر اساس همان نظم دقیقی که در زندگی داشت، ساعتی را نیز برای تلاوت و انس با قرآن کریم اختصاص می داد. در این ساعت کسی نزد ایشان نمی رفت و پاسخ سؤال کسی را نمی داد و کاملاً جان و دل را به قرآن داده و به آیات قرآنی و معانی آن توجه می کرد.
روزی ایشان فرمود: هرکس بخواهد از آدمیت سر در بیاورد و آدم بشود باید دائم قرآن بخواند.^۱

پیوند ناگسستنی

امام صادق علیه السلام در منزل خویش مشغول تدریس آیاتی از قرآن کریم به یارانشان بودند. هنگام غذا خوردن شد. سفره‌ای پهن گردید و همگان مشغول غذا خوردن شدند. بعد از تمام شدن غذا، یکی از یاران گفت بر اساس آیه «ثُمَّ لَتَسْتَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»^۱ (پس در آن روز درباره نعمت از شما سؤال خواهد شد) در روز قیامت از این غذایی هم که نزد فرزند پیامبر اکرم خوردیم از ما سؤال خواهد شد.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه فوق فرمود :



خداوند کریم‌تر و شأنش بالاتر از آن است که طعامی به بنده‌اش بدهد و آن را برایش حلال و گوارا سازد، آن‌گاه از آن بازخواست نماید. بلکه منظور از نعیم در این آیه تنها نعمت محمد و آل محمد **صلی الله علیه و آله** است که به شما ارزانی داشته است.^۲ در روز قیامت درباره نعمت ولایت ما اهل بیت از شما سؤال خواهد شد.^۳

این تفسیر امام صادق علیه السلام نشانگر چیست؟ آیا دیگران هم توانایی چنین تفسیری از آیات قرآن کریم داشتند؟ اگر امام صادق علیه السلام و سایر امامان علیهم السلام مردم را در تفسیر قرآن راهنمایی نمی‌کردند، چه اتفاقی می‌افتاد؟

۱- سوره تکوین، آیه ۸.

۲- کافی، ج ۶، ص ۲۸۰.

۳- تفسیر برهان، ج ۴، ص ۵۰۲، ح ۶.

به نظر شما چرا در روز قیامت از نعمت اهل بیت علیهم السلام از ما سؤال خواهد شد؟



در درس پیش دانستیم که در قرآن کریم هر آنچه برای سعادت انسان در دنیا و آخرت مورد نیاز است، گنجانده شده است. هر کس به این معجزه جاویدان پیامبر اکرم **صلی الله علیه و آله و سلم** توجه کند، می تواند در سطح فهم و دانش خود از آن بهره ببرد. حال آیا هر کسی می تواند به همه معارف قرآن به صورت صحیح و دقیق دست یابد؟

خداوند حکیم، پیامبر اکرم **صلی الله علیه و آله و سلم** را اولین معلم قرآن قرار داد؛ زیرا ایشان بهتر از هر انسان دیگری می دانست که هر آیه از قرآن در چه زمانی و به چه علتی نازل شده است و مفهوم و تفسیر واقعی آن چیست. پیامبر اعظم برای انجام رسالت مهمی که برعهده داشت، با تمام وجود به بیان معارف الهی قرآن و آموزش مردم پرداخت.

حال مردمی که بعد از وفات رسول خدا به دنیا می آیند چگونه می توانند از معارف قرآن به درستی استفاده نمایند؟

به نظر شما خداوند برای راهنمایی سایر مردم چه تدبیری اندیشیده است؟

تربیت امام

رسول خدا از ابتدای بعثت به فرمان خداوند برنامه دقیق و کاملی برای هدایت مردم پس از خود طراحی کرده بود. پیامبر اکرم شایسته ترین انسان را به دستور خداوند انتخاب کرد و به تربیت و آموزش او پرداخت.

من از کودکی نزد رسول خدا بودم و او هر روز دری از علم به رویم می گشود و اخلاق و آداب نیکو را برایم آشکار می ساخت.

هر آیه ای بر پیامبر نازل می شد، آن را برای من قرائت می کرد. او می خواند و من می نوشتم و سپس تفسیر آیات را به من می آموخت.

هر چه از حلال و حرام و اتفاقات گذشته و آینده را که خداوند به او آموخته بود، به من آموخت و من آن را حفظ کردم و با دعای پیامبر حتی یک حرف از آن را فراموش نکردم.^۱

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۸۷؛ کافی، ج ۱، ص ۶۴.



پیامبر اکرم تفسیر و علم قرآن را به امیرالمؤمنین
آموخت تا پس از ایشان، مردم بتوانند با کمک حضرت علی
و امامان دیگر از معارف و تفسیر قرآن بهره‌مند شوند و در
مسیر سعادت همیشگی قرار گیرند.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

روزی رسول خدا به من فرمود: ای علی، آنچه برایت می‌گویم، بنویس.
گفتم: ای رسول خدا، آیا بیم آن را دارید که سخنان شما را فراموش کنم؟
فرمود: نه؛ بیم فراموشی بر تو ندارم؛ زیرا خدا خواسته است که تو را حافظ
احکام و معارف دین قرار دهد، اما اینها تنها برای تو نیست؛ بلکه برای امامان بعد از تو
نیز هست، برای آنها بنویس.
آن‌گاه رسول خدا به پسر من حسن اشاره کرد و فرمود: اولین آنها، حسن است. سپس
نگاهی به حسین کرد و فرمود: دومین آنها حسین است و بقیه از فرزندان حسین هستند.^۱

امیرالمؤمنین تمامی تفسیر و معارف قرآن کریم، و حلال و حرام خداوند را که از پیامبر اکرم
فراگرفته بود، به فرزند خود امام حسن علیه السلام آموخت تا ایشان نیز در زمان خودشان، امام و رهبر
مردم باشند. امام حسن علیه السلام نیز تمامی آنچه را که از پدران خود فراگرفته بود به امام حسین
علیه السلام آموخت، تا ایشان نیز در زمان خودشان با کمک علم به قرآن و آگاهی کامل از حلال و حرام
خداوند، مردم را به راه نجات و رستگاری هدایت کنند و دین را از نابودی نجات دهند؛ بدین ترتیب علم
تفسیر و معارف قرآن کریم و دین خداوند، از امامی به امام دیگر منتقل شد، تا در هر زمان مردم برای
رهایی از تاریکی‌های گمراهی، از امام و قرآن کریم در کنار هم پیروی کنند.

اصحاب پیامبر اکرم **صلی الله علیه وآله** بارها و بارها از ایشان شنیده بودند که می فرمود :

ای مردم، من از میان شما می روم و دو چیز گرانبها را در میان شما باقی می گذارم. تا وقتی به آن دو پناه ببرید گمراه نخواهید شد؛ یکی کتاب خدا و دیگری عترت و اهل بیت. این دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا آن هنگام که در کنار چشمه کوثر به من ملحق شوند، پس خوب مراقب باشید که بعد از من با این دو چگونه رفتار می کنید^۱.

این سخن رسول خدا بعدها به حدیث ثقلین مشهور شد. حدیث ثقلین نشانگر این است که تنها راه رسیدن به سعادت و راهیابی به بهشت زیبای خداوند، پناه بردن به قرآن و اهل بیت پیامبر علیهم السلام است و رها کردن هریک از این امانت‌های ارزشمند الهی (قرآن و عترت) نتیجه‌ای جز سرگردانی و گمراهی نخواهد داشت.

بیت پیامبر

آیات زیر را با دقت بخوانید :

- ۱- لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ^۲ جز پاک‌شدگان کسی به آن [قرآن] دسترسی ندارد.
۲- إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا^۳ بی تردید خداوند می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت [پیامبر] دور کند و شما را کاملاً پاک سازد.

این آیات را کنار هم قرار دهید و درباره پیامی که از آنها درمی یابید در کلاس گفتگو کنید.

۱- سنن ترمذی، ج ۵، صص ۶۶۲-۶۶۳؛ مستدرک حاکم، ج ۳، صص ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۴۸، ۵۳۳؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۴۳۲؛

مسند احمد بن حنبل، ج ۳، صص ۱۴، ۱۷، ۲۶، ۵۹.

۲- سوره واقعه، آیه ۷۹.

۳- سوره احزاب، آیه ۳۳.



- ۱- چرا خداوند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را اولین معلم قرآن قرار داد؟
- ۲- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای هدایت مردم بعد از خود چه برنامه‌ای طراحی کرده بود؟
- ۳- ترجمه حدیث ثقلین را بنویسید.



سوره کوثر کوتاه‌ترین سوره قرآن کریم است که در جزء سی‌ام قرآن قرار دارد. درباره معنای این سوره تحقیق کنید و نتیجه تحقیق خود را در کلاس بخوانید. به نظر شما معنای این سوره چه ارتباطی با درس دارد؟



در کتاب‌هایی که روایات و سخنان امامان علیهم السلام به ما رسیده است (همانند کافی، تهذیب، استبصار، الفقیه، وسائل الشیعه، بحار الانوار و...) بارها و بارها از امامان شنیده شده است که فرموده‌اند:

حدیث من، حدیث پدرم است،
 حدیث پدرم، حدیث جدم است،
 حدیث جدم حدیث امام حسین است،
 حدیث امام حسین حدیث امام حسن است،
 حدیث امام حسن حدیث امیرالمؤمنین است،
 حدیث امیرالمؤمنین حدیث پیامبر اکرم است،
 و حدیث رسول خدا، کلام خداوند است.^۱

حدیث فوق از امام صادق علیه السلام و نیز از سایر امامان روایت شده است. بنابراین علم تمامی امامان، از امام قبلی و علم امیرالمؤمنین نیز از پیامبر اکرم و علم ایشان نیز از خداوند است که نسل به نسل به امامان رسیده است و هر سخنی که از هر امامی نقل می‌شود، گویا از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌شود که او نیز از خداوند نقل می‌کند؛ بنابراین پیروی از سخنان و رفتارهای تمامی امامان، همان اطاعت از پیامبر اکرم و خداوند است.